

#### سینمای جهان

با حواشی بسیار و بدون حضور اسپسی «خانه پوشالی» به خانه آخر رسید



فصل ششم و نهایی درام سیاسی «خانه پوشالی» به پایان رسید. این سریال در حالی به کار خود خاتمه داد که «کوبین اسپسی» بازیگر اصلی آن به دلیل رسوایی جنسی از ادامه همراهی گروه باز مانده بود. به گزارش فارس به نقل از یونایتد پرس، «رابین رایت» بازیگر «خانه پوشالی» با انتشار عکسی از تیزر این سریال در اینستاگرام اعلام کرد که تولید فصل ششم درام سیاسی «خانه پوشالی» به پایان رسیده است. این عکس تصویر رایت را در نقش «کلر آندروود» همسر رئیس‌جمهور نشان می‌دهد که با دستاتی خون‌آلود به دوربین می‌نگرد. فصل ششم «خانه پوشالی» اما بدون «کوبین اسپسی» (در نقش رئیس‌جمهور پیشین آمریکا و همسر «کلر آندروود» در ۸ قسمت فیلمبرداری شد، چرا که شبکه «نت فلیکس» پس از رسوایی جنسی این بازیگر با او قطع همکاری کرد. مایکل کلی، جیمز اتکینسن، پاتریشا کلارکسن، کانستنس زینر، درک سیمپل، کمبل اسکات و بوریس مک‌گیور در کنار دایان لین، گرگ کینیر و کادی فرن در فصل ششم «خانه پوشالی» ایفای نقش کرده‌اند. انتظار می‌رود فصل ششم «خانه پوشالی» توسط کمپانی «نت‌فلیکس» در پاییز سال جاری منتشر شود.

### آل‌پاچینو بازیگر فیلم جدید تاراتینو شد



آل‌پاچینو رسماً به فیلم جدید تاراتینو ملحق شد تا شایعاتی که در این باره وجود داشت تحقق یابد. به گزارش مهر به نقل از ورایتی، کوئنتین تاراتینو به فیلم جدیدش که پر از ستاره‌های درجه یک است یک بازیگر اسطوره‌ای دیگر را نیز اضافه کرد که کسی نیست جز آل‌پاچینو. در حالی که پیش‌تر لئوناردو دی کاپریو و برد پیت برای حضور در جمع بازیگران فیلم «روزی روزگاری در هالیوود» انتخاب شده بودند، اکنون پاچینو نیز به این گروه اضافه شده است. گفته شده وی قرار است در نقش ماروین شوارتز که مدیر شخصیت دی کاپریو در سونی فیلم است، در این فیلم بازی کند. این نخستین همکاری آل‌پاچینو با کوئنتین تاراتینو است. تاراتینو از نخستین فیلمش یعنی «سگ‌های انباری» در سال ۱۹۹۲ همیشه از ستاره‌های محبوب سینما در فیلم‌هایش استفاده کرده است. تاراتینو اوایل ۲۰۱۸ و زمانی که با دی کاپریو برای حضور در این فیلم به توافق دست یافت از علاقه‌اش گفته بود. این فیلم ۹ اگوست ۲۰۱۹آکران می‌شود و قسه آن وقایع سال ۱۹۶۸ و پس از آن را به تصویر می‌کشد؛ وقتی شارون تیت بازیگر هالیوودی که همسر رومن پولانسکی کارگردان بود، در حالی که باردار بود بر اثر حمله گروهی از اعضای خانواده منسون به خانه‌اش کشته شد.

#### شعر

نوسورده مهدی جهاندار درباره روز قدس
**به خدا که کوه صهیون**
**بتپد به خاک و در خون**



به سر حسین سوگند، به مشک آب سوگند
شب قدر، روز قدس است به انقلاب سوگند
به هزار و چارصد سال به تازنه مردن
به هزار و چارصد پرمنش بی‌جواب سوگند
به‌خدا که کوه صهیون بتپد به خاک و در خون
نه به ذوالفقار تنها، به ابوتراب سوگند
نه فقط به سورمه‌هایی که جهاد و جنگ دارد
به شکوه آی‌های همه کتاب سوگند
چه درخت‌های زیتون که به بار می‌نشیند
به حیاط خانه‌هایی که شده خراب سوگند
بشمار کشتگانی که قسم به عشق خوردند
و چه بی‌شمار بودند و چه بی‌حساب سوگندا
شب قدر روز قدس است، به کربلا نظر کن
و کسی می‌آید از راه به آفتاب سوگند

پرورنده «وطن‌امروز» برای مستند «دو برادر»؛ از شهید نفاق تا شهید داعش

# شهادت؛ میراث خانوادگی

گروه فرهنگ و هنر: یک سال می‌گذرد از واقعاتی شوم، از «به وقت تهران» که چند «ترقه‌بازی» دل مردم را به لرزه انداخت و حضور چند داعشی با اهدافی کور در مجلس شورای اسلامی و حرم امام، خون‌هایی را بر زمین ریخت و فریادهایی را به آسمان برد. عده‌ای بابت امنیتی که مدیون مدافعان حرم بود، سجده شکر به جا آوردند و عده‌ای دیگر که همیشه هشتک و کتا‌به‌های‌شان جگر مادران شهید حرم و میهن را می‌سوزاند، باز به کتا‌به‌های خود ادامه دادند. این اتفاق اما خانواده‌هایی را داغدار کرد که در میان آنها خون شهید جواد تیموری به گونه‌ای دیگر به چشم آمد؛ شهیدی که به تنهایی لشکر یک‌نفره‌ای شد برای دفاع از میهن. جوان دهه هفتادی‌ای که برادر شهیدش را ندیده بود اما یقین داشت که از رثیه خانوادگی این خانواده «شهادت» است و جواد تیموری همچون محمدرضا، خون خود را به پای جوادانی انقلاب فدا کرد. مستند «دو برادر» روایتی از این از رثیه خانوادگی است؛ محمدرضا تیموری که به دست منافقین – داعشی‌های دهه ۶۰ – به شهادت رسید و جواد تیموری که در ۱۷ خردادماه سال گذشته در حادثه مجلس، آبروی نسل جدید شد.

**گفت‌وگوی «وطن‌امروز» با محمدرسعید غدیریان، کارگردان مستند «دو برادر»**

## دو برادر، روایت ۲ قهرمان

شهید جواد تیموری، پاسدار مجلس شورای اسلامی، یکی از شهدای حمله تروریستی به مجلس بود که با مقاومت خود در گیت ورودی مجلس در مقابل تروریست‌ها مانع ورود آنها به صحن مجلس شد. شهید تیموری برادری هم دارد که او هم در سال‌های دفاع‌مقدس به شهادت رسیده است. «دو برادر» مستندی به کارگردانی محمدرسعید غدیریان و روایتی از این دو برادر شهید است که به فاصله ۳۰سال از یکدیگر در دفاع از انقلاب اسلامی به شهادت رسیدند. غدیریان در گفت‌گو با «وطن امروز» درباره مستندش گفت: «دو برادر» مستندی در رابطه با ۲ برادر شهید است که هیچ‌گاه همدیگر را ندیده‌اند. «شهید محمدرضا تیموری» واخر جنگ تحمیلی، بعد از پذیرش قطعنامه شهید می‌شود و «شهید جواد تیموری»

در حادثه تروریستی حمله به ساختمان مجلس شورای اسلامی در سال ۹۶ به شهادت می‌رسد. ما فیلمبرداری را از روز چهارم آغاز کردیم، یعنی مراسم چهارم ایشان را در مسجد «فرمانی هاشم» فیلمبرداری کردیم. خانواده شهید تیموری خیلی زحمت کشیدند و ما خیلی آنها را اذیت کردیم چون ۴۰ روز از شهادت «شهید جواد تیموری» گذشته بود که ما کار را شروع کردیم، این هم برای ما سخت بود که بخواییم به خانواده نزدیک شویم و هم برای آنها سخت بود. این مستندساز درباره چگونگی آشنایی‌اش با این دو برادر شهید اظهار داشت: بعد از شهادت شهید جواد تیموری، از طریق رسانه‌ها با آنها و خانواده‌شان آشنا شدم. وقتی دیدم خانواده‌ای هست که یک فرزندشان در جنگ تحمیلی شهید شده و فرزند دیگرشان در سال ۹۶ در تهران، برابم جالب شد و تصمیم به ساخت مستندی درباره آنها گرفتم. غدیریان توضیح داد: شهید محمدرضا تیموری، بعد از پذیرش قطعنامه۵۹۸ که همراه خیلی از نیروها که در حال بازگشت از جبهه‌ها بودند، در جاده اهواز- خرمشهر، غافلگیر و محاصره می‌شوند و بسیاری از آنها به شهادت می‌رسند. از ۱۶۰ رزمنده، ۴۵-۵ نفرشان نجات پیدا می‌کنند و چند نفر هم اسیر می‌شوند از جمله دکتر محمد حاج‌بابایی که در

**■ سکانس اول: این فیلم را نبنینیدا**
این فکر را از سر تان بیرون کنید که می‌توانید از تماشای فیلم «به وقت شام» در سالن سینما لذت ببرید.با لذت بود و داده و چپیس و سایر تفرقات در اطراف‌تان در حالی که روی صندلی‌های نرم لم داده‌اید، فیلم را ببینید و با بغل‌دستی‌تان هم گپ دوستانه بزنید. این فیلم اساسا قرار نیست سبب تفریحات شود، چرا که ما را درگیر می‌کند، روی صندلی‌مان هرچقدر هم که نرم و راحت باشد باید میخکوب باشیم و هرچند دقیقه یک‌بار نیازخیز شویم... مردمک چشم‌تان از این همه تصاویر و کتراست و پلان‌هایی بالا خسته می‌شود.

به فکر مردمک چشمان خود باشید که در سالن تاریک مدام باز و بسته می‌شود تا بتواند جوابگوی این همه رقص نور و رنگ فیلم باشد. گوش‌های‌تان را خسته می‌کنید تا جایی که حتی موسیقی و برخی دیالوگ‌های فیلم تا پس از تماشای فیلم بیرون از سالن سینما، در خیابان، در خانه و حتی در رختخواب هم رهای‌تان نمی‌کنند! نیم‌بیشتری از دیالوگ‌های فیلم به زبان عربی و حتی انگلیسی است و باید زحمت خواندن زیرنویس‌های فارسی فیلم را بر جان خسته و چشمان خسته‌ترتان نیز خرید تا داستانی را دنبال کنید که هرلحظه ممکن است از صندلی بلندتان کند. چرا باید بجای دیدن چهره‌های زیبا و سوپر‌استاره‌های فوق‌العاده جذاب سینمایی وطنی، چشم‌های رنگارنگ و لب‌های پروت شده که مولای درزشان از زیبایی نمی‌رود و بینی‌هایی که گویی با لیزر قوس داده شده‌اند چهره از هم گسیخته و متلاشی این دو بازیگر ایرانی را ببینیم که در طول فیلم هم هر لحظه بیشتر و بیشتر خونین و مالین می‌شوند؛ زمان فیلم هم بیش از ۹۰ دقیقه است و حتی یک‌بار هم خنده بر لب‌شان نمی‌آورد، بعد از دلیل‌تان برای تماشای آن بر پرده سینمای چیست؟

**■ سکانس دوم: دوره‌ات گذشته مری**
حائمی‌کیا فیلمسازی است منقضی، او را در



نگاهی به مستند «دو برادر» ساخته محمدرسعید غدیریان

## چکیدن قطره‌ای از خون هابیل بر پرده نقره‌ای

**علیرضا ملوندی:** در یکی از روزهای گرم اواخر بهار، ناگهان خبری در سطح کشور پخش می‌شود. پارلمان، نماد حاکمیت جمهور بر تقدیرات خود توسط یک گروه تروریستی خارجی مورد حمله مسلحانه قرار گرفته است. تروریست‌ها قصد ورود به صحن اصلی مجلس را دارند و نیروهای امنیتی نیز در کشاکش درگیری با آنها، سعی دارند ضمن ممانعت از رسیدن مهاجمان به اهداف اصلی، مانع افزایش تلفات در این ماجرا شوند.

با روایت این ماجرا برای یک فیلمساز یا نویسنده، طبیعتا نخستین محوری که به ذهن او می‌رسد، ساخت یک اثر جنایی – پلیسی جذاب و پرشور با قابلیت بالای جذب مخاطب است که هیجان بالای اثر باعث میخکوب شدن مخاطب از زبان نزدیکان و دوستان شهید بیان می‌شود. مصاحبه‌ها اطلاعات نسبتا خوبی از این دو شهید به مخاطب ارائه می‌کنند، به طوری که از بدو تولد شروع‌شده و تا زمان شهادت تاریخچه مختصری از زندگی و روحیات شهید از زبان مصاحبه‌شوندگان ارائه می‌شود. کارگردان برای اینکه مصاحبه‌ها خسته‌کننده نشود بین گفت‌وگوها از تصاویر مختلف مرتبط با این شهدا استفاده کرده است، بویژه در نیمه دوم کار که به دلیل گسترتش ابزارهای فیلمبرداری، تصاویر بیشتری از شهید جواد تیموری موجود است.

با وجود این مساله، به نظر می‌رسد شاید اگر در «دو برادر» شاهد به‌کارگیری شیوه دیگری برای پرداخت به این سوزه بودیم مستندی جذاب‌تری می‌دیدیم. در «دو برادر» بدون وجود گفتار متن یا حلقه رابط دیگری شاهد حدود ۴۵ دقیقه گفت‌وگو درباره این دو شهید هستیم و همین باعث کند شدن ریتم اثر شده است. شاید اگر از مستند داستانی برای روایت زندگی این دو شهید استفاده می‌شد کارگردان در این باره موفق‌تر بود. بیان این حال، «دو برادر» یک ویژگی مهم دارد و آن‌هم این است که اولاً در دل یک ماجرای امنیتی سراغ داستانی عاطفی رفته و ثانیاً توانسته است ماده اولیه خوبی برای تولید کارهای متفاوت‌تر در این باره فراهم کند. ایران در طول ۳۸ سال پس از انقلاب هزاران نفر قربانی عملیات تروریستی داشته اما هنر و بویژه سینما تقریباً همه این سوزه‌ها را به هیچ انگاشته و فراموش کرده است. «دو برادر» جبران بخشی از این نسیان در یکی از مهم‌ترین حملات تروریستی علیه کشور است.

دعوی قبیله‌ای است مال اعراب، به زور «چطوروی ایرانی»؟ گفتن که داش به من و شما ربطی پیدا نمی‌کند. فیلم «به وقت شام» حتی نامش هم ایرانی نیست... «به وقت شام» با به وقت تهران یا همه وقت‌های شهرهای ایران چه نسبتی دارد؟

فیلمی به زبان عربی و با بازیگران عربی و در رابطه با اعراب و مشکلاتشان چرا باید برای ما جذاب باشد؟ همانقدر که در اخبار وطنی داعش تمام رسانه‌های‌مان را گرفته و باید راجع بهش بشنویم یا بدین کافی نیست که حالا در سینمای‌مان نیز باید برای دیدنش پول هم بپردازیم؟ اصلا من ایرانی را با داعش چکار؟ مگر داعش چقدر مهم است؟ این همه زورگیری، جنایت، فقر، بی‌کاری مگر زندگی حضرت فاطمه معصومه(س) توانست یکی از موفق‌ترین آثار داستانی در این گونه را خلق کند، رمانی که در آن نویسنده با استفاده از عنصر حرفه‌ای تخیل مؤمنانه، شرحی داستانی از زندگی خواهر گرامی امام هشتم شیعیان بازگو می‌کند که در تاریخ و متون، اخباری درباره آن کمتر می‌توان خواند. رمان تازه این نویسنده نیز با چنین رویکردی و با نگاه به زندگی امام جواد(ع) نوشته شده است.

در کل که وقتی همه این دلایل را کنار هم می‌چینید متوجه می‌شوید «به وقت شام» را نباید دید، چون اساسا یک فیلم حکومتی است و مسأله حکومت هیچ وقت ربطی به شهروندان آن کشور ندارد. ما باید به دور از دغدغه‌های نظامی و سیاسی و حکومتی فیلمی ببینیم که به دل‌مان ننشیند. باید در خانه‌های‌مان بنشینیم، راحت، در آسایش، روی مبل‌های راحتی‌مان لم بدهیم، کلی خوراکی و تنقلات دم‌دست‌مان باشد و کانال را از روی شبکه من و من و تو جابه‌جا نکنیم، چون برای‌مان کلی برنامه‌های مفرح و بی‌مسأله تهیه کرده‌اند.

■ **سکانس چهارم: هیچ چیز فیلم به ما ربطی ندارد**
ما چرا باید فیلمی را ببینیم که حتی مکان و لوکیشن‌های آن در هیچ کجای کشور ما نیست؟ لبنان و فلسطین و سوریه به ما چکار دارد؟ بحران منطقه به ما چه؟ مگر تلجبال داعش به در خانه‌هایمان حمله کرده است؟ مگر ما باید داعش را بشناسیم؟ داعش را علم کرده‌اند که ما از گرانی‌ها و اخلاص‌ها حرف نزنیم. اصلا داعش یک

#### فرهنگ و هنر

#### رمضان‌نامه

#### شروع

- فاطمه‌عبدالوند



شروعم کن
من تمام‌شده را
که پشت خط پایان
انتظار طلوع را می‌کشم
اصلا باران بزند
تمام خط‌ها را بشویند
و هر نقطه‌ای که باشم
نقطه سر خط نگاه تو بشود
پاهایم قدبکشند
بلند قدم بردارند
تا رسیدن به یقین
همان سلاحي که نداشتم‌ام
برای رسیدن به تو
فراموش کنم هر چه دویدم‌ام
و نرسیدم به خط پایانی
که مرا ببرد بالای سکوی آرامش
و از تو، مدال بگیرم...
حالا باید کوله‌ام را
سبک کنم
دور بریزم شک‌ها را
بذر ایمان بپاشم
تمام مسیر دویدم‌تا پایان را
تو میانه را
سر برسی و بگویی
چیزی نمانده تا یک پایان پر از عشق
و من تمام خستگی‌ها را
به جان بخرم
تا تو...
و من، قهرمان رسیدن به تو باشم
ای مهربان‌ترین داور

برداشتی آزاد از ابوحمزه ثمالی

#### کتاب

### تجدید چاپ ۴ کتاب

#### از «شهید دیالمه»



۴ کتاب «صبر»، «امام»، «انتظار» و «انسان خلوت و خلوت انسان» از شهید عبدالحمید دیالمه از نسوی دفتر نشر معارف به چاپ دوم رسید. به گزارش «وطن امروز»، دفتر نشر معارف با همکاری مرکز نشر آثار و اندیشه‌های شهید دیالمه تاکنون ۹ کتاب از مباحث این اندیشمند جوان و انقلابی را در قطع پالتویی منتشر کرده است و در سال جاری ۹ اثر و سخنرانی‌های منتشر نشده وی را نیز منتشر می‌کند که از این‌میان، ۴ کتاب «صبر»، «امام»، «انتظار» و «انسان خلوت و خلوت انسان» به چاپ دوم رسید.

#### ■ ■ ■

### روایتی داستانی از زندگی امام

#### جواد(ع) در «یک خوشه انگور سرخ»

رمانی بر مبنای زندگی امام جواد(ع) با عنوان «یک خوشه انگور سرخ» منتشر شد. به گزارش مهر، انتشارات کتاب نیستان اثری تازه از فاطمه سلیمانی‌زندرانی را با عنوان «یک خوشه انگور سرخ» با موضوع زندگی امام جواد(ع) منتشر کرد. فاطمه سلیمانی‌زندرانی، نویسنده جوانی است که با خلق رمان «به سپیدی یک رویا» بر مبنای زندگی حضرت فاطمه معصومه(س) توانست یکی از موفق‌ترین آثار داستانی در این گونه را خلق کند، رمانی که در آن نویسنده با استفاده از عنصر حرفه‌ای تخیل مؤمنانه، شرحی داستانی از زندگی خواهر گرامی امام هشتم شیعیان بازگو می‌کند که در تاریخ و متون، اخباری درباره آن کمتر می‌توان خواند. رمان تازه این نویسنده نیز با چنین رویکردی و با نگاه به زندگی امام جواد(ع) نوشته شده است.

راوی این داستان امفضل همسر امام و دختر مأمون است که در نهایت با تحریک معتمد خلیفه عباسی، امام نهم شیعیان را مسموم می‌کند و به شهادت می‌رساند. از‌زندرانی در این‌رمان با انتخاب ام‌فضل به عنوان راوی کتاب، سعی کرده با نگاهی تازه به نقش او به عنوان یک شخصیت منفور و در عین حال ترسو و ناتوان در انتخاب میان خیر و شر، روایتی دست اول از زندگی امام هشتم و نهم شیعیان بیان کند. انتشارات کتاب نیستان رمان «یک خوشه انگور سرخ» را در ۲۰۰ صفحه و با قیمت ۱۹ هزار تومان منتشر کرده است.